禪

...[illegible]

[illegible]

Westworld

.[illegible]

(June 27) [illegible] 27 :[illegible] **Vanishing Point** [illegible] - [illegible]

[illegible] **westworld** [illegible]

[illegible] Vanishing point [illegible]

SUBJECT NUMBER: 002
CATEGORY 47B:
OCCURRENCE .0072% (RARE)
301.94 PERSECUTORY SUBTYPE
296.902 DELUSIONS
301.819 PARANOID SUBTYPE
2 DATA REPORT FILES
MEMORY BANK
VIDEO/AUDIO FILES
PSYCOLOGICAL PROFILE
PHYSICAL ATTRIBUTES
HISTORY LOGS
ALERTS
COMMUNICATIONS
ADD NOTES
EDIT
VID Log

[illegible]

[illegible] 60 [illegible]

Memento [illegible]

shabakeh-mag.com

سرنوشت گریس

صحنهای که گریس در غروب خورشید پدرش را ملاقات کرد یکی از لحظات مورد علاقه من است؛ چرا که انتظار میرفت اتفاقات بزرگی را در سریال رقم بزنند . برعکس، گریس خیلی زود از دور خارج شد و مشخص نیست که قابل برگشت است یا نه. در وست ورلد کارکترهای زیادی رفت و آمد داشتهاند و برخی از آنها غیر قابل انتظار بود . کشتن گریس بر اساس یک اشتباه ساده چندان جذاب نیست. اما شاید نویسندگان قصد کپی برداری از بازی تاج و تخت را داشته باشند که در اوج داستان یک شخصیت، او را از فیلم حذف میکردند . بهرحال جواب این سوالات را در فصل سوم خواهید گرفت.

نمیتوان گفت ویلیام، مقصر اصلی مرگ جولیت است؛ حداقل عکسالعمل جولیت میتوانست چیزی غیر از خودکشی باشد. اما کشته شدن گریس قطعاً به گردن اوست. واقعاً که ویلیام همانند یک ویروس در خانواده دلوس رشد کرد و تک تک آنها را به بدترین شکل ممکن از بین برد . جیمز را موش آزمایشگاهی کرد، ویلیام را دستبسته در بیابان رها کرد و جولیت را زجرکش کرد . تنها گریس مانده بود که آن هم با فشار دادن ماشه به سایرین پیوست.

shabakeh-mag.com

سرنوشت تدی، میو و برنارد

موفقیت دلورس کمی گران بدست آمد. تدی اگرچه تغییر کرد ولی این بدان معنا نبود که عقل خودش را از دست داده است. از آنجا که تدی نمیتوانست به دلورس صدمه بزند خودش را از بند یک هیولا نجات داد . تدی بارها و بارها مرده و زنده شده بود اما اینبار آخرین جان خود را از دست داد . شلیک تدی مانند زنگی کر کننده گوشهای دلورس را لرزاند و انگار که در یک لحظه، دلورس تقاص کارهایش را پس داد .

در طرف دیگر میو هم اوضاع خوبی ندارد و رابرت به بالین او میآید :«میو، تو میزبان مورد علاقه من بودی. دیدنش آسون نیست که بذاری بچههات بمیرن. تو در این دنیا موندی تا فرزندت رو نجات بدی، مثل من.» از این صحبت رابرت میتوان برداشت کرد که قصد نجات میو را دارد . همچنین در تبلت نشان داده شد که قفل دسترسی هسته باز شده است. نباید فراموش کرد که شارلوت، قدرت کنترلی میو را بر روی کلمنتاین آپلود کرد و او همانند یک زامبی که از کارهای خشن خود آگاه نیست، همه را به جان هم انداخت . وست ورلد در مجموع سریال بسیار خشنی است و کشت و کشتار چیز جدیدی نیست اما باید اعتراف کنم که صحنه درگیری میزبانها یکی از بدترین سکانسهای سریال بود .

نکات اپیزود نهم

«آنسوی دره » نام دیگری هم پیدا کرد . «فورج» محلی است که تمام دستاوردهای شرکت دلوس در این چند دهه در آنجا ذخیره شده است . برنارد برای کنترل اوضاع به دنبال فورج است . دلورس برای نابودی آنسوی دره تلاش میکند و اکیچیتا قصد دارد با رسیدن به درب، زندگی دائمی داشته باشد .

در وست ورلد هیچ چیز اتفاقی نیست. در مجموعه کتابهای ویلیام «سلاخخانه شماره 5» به چشم میخورد. این کتاب عملیتخیلی در رابطه با شرایط جنگ و در رابطه با شخصی است که همزمان در دو دنیا قرار دارد و گذشته و آینده را میبیند . انتخاب این کتاب کاملاً هوشمندانه است . کتاب از یک طرف به اوضاع ویلیام اشاره دارد که در دو دنیا زندگی میکند و از طرف دیگر ما را یاد دیالوگ دلورس میاندازد که گذشته، حال و آینده را میبیند . کتاب دیگر Jude the Obscure است که بیان مشکلاتی مانند مشکلات ازدواج، تم اصلی آن رمان است.

JUDE THE OBSCURE
HARDY

:
:
:
:
03:40 - 30/03/1397
:
- - - -